

عنوان مقاله:

ماندن در سوگ : مطالعه پدیدارشناسانه تجربه سوگ نابهنجار بعد از مرگ عضوی از خانواده

محل انتشار:

فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، دوره 22، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

پروین بانو عظیم اوغلی اسکویی - دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

کیومرث فرحبخش - دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

امید مرادی - استادیار گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

خلاصه مقاله:

هدف از این پژوهش بررسی تجربه ماندن در سوگ بعد از مرگ عضوی از خانواده بود. در این پژوهش از روش کیفی پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. مشارکت کنندگان پژوهش از ۱۲ زن و مرد با بازه سنی ۳۰-۵۰ ساله تشکیل شده بودند که دارای تجربه ماندن در سوگ عضوی از خانواده همانند فرزند، مادر، همسر یا... خود بودند. مشارکت کنندگان به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه عمیق بود. سوالات مصاحبه باز پاسخ (تکمیلی) بودند که با یک سوال کلی به این مضمون: از تجربه خود بعد از مرگ عزیزتان حرف می زنید، شروع می شد. در ادامه مصاحبه، برای کشف عمیق پدیده از سوالات پیگیرانه مانند "می توانید در این باره بیشتر توضیح دهید،" استفاده شد. تحلیل داده ها به ۴ مضمون اصلی و ۱۲ زیرمضمون فرعی منجر گردید که شامل مکانیسم های روانشناختی با درون مایه های فرعی: «مکانیسم های هیجانی، مکانیسم های رفتاری و مکانیسم های شناختی؛ زمینه های خانوادگی با درون مایه های فرعی: عدم حمایت عاطفی و همراهی خانواده، عدم کارکرد و تغییر ساختار خانواده، عدم انتقال خانواده از مراحل سوگ و عدم کارکرد خرده نظام های خانواده؛ زمینه های شخصی با درون مایه های فرعی: ویژگی های شخصیتی مداخله گر، جایگاه متوفا در دنیای پدیداری فرد، تاثیر تجارب گذشته فرد و زمینه های نگرشی با درون مایه های فرعی نگرش دینی یا غیر دینی و پذیرش یا عدم پذیرش واقعیت مرگ بود. یافته های این پژوهش ادبیات گذشته در زمینه سوگ نابهنجار در بافت خانواده را گسترش می دهد.

کلمات کلیدی:

سوگ، سوگ نابهنجار، سوگ بهنجار، تجربه زیسته، پدیدارشناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1429962>

